

امنیت اجتماعی در آراء امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری

محسن جلیلوند^۱

راضیه هاشمی^۲

چکیده:

امنیت در همه ابعاد آن یکی از مهمترین وظایف دولتها از گذشته تاکنون بوده است. در سده بیست و یکم اهمیت و جنبه‌های امنیت همانند امنیت سایبری و روانی بیش از گذشته شده است. بعد امنیت اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار بوده است چرا که خاستگاه ابعاد دیگر امنیت در یک جامعه شناخته می‌شود. بالطبع در نگرش امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری به مقوله امنیت تاکید شده است. هدف محوری این پژوهش واکاوی ابعاد امنیت اجتماعی در آراء امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری است. با توجه به بنیان‌های هستی‌شناختی و انسان‌شناختی امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری می‌توان گفت که در آراء امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری چه در سطح کلان و چه در سطح خرد به امنیت اجتماعی پرداخته شده است. چنانکه در ابعاد کلان می‌توان به احساس امنیت در جامعه، عدالت آموزشی، وفاق و مشارکت همگانی، همزمانی بعد درونی (معنوی) امنیت با بعد عینی و مادی، عدالت اجتماعی و احساس برابری در بین شهروندان اشاره کرد. در سطح خرد می‌توان عناصری همانند کاهش قوانین تبعیض آمیز، مبارزه به شکاف طبقاتی و اجتماعی، رسیدگی همه جانبه اقتصادی، آموزشی و... به محرومین جامعه، انتخابات، نظارت بر عملکرد نهادها و مدیران، مبارزه با فساد اداری و... مورد تاکید قرار داد.

واژگان کلیدی: امام خمینی^(ره)، مقام معظم رهبری، امنیت، امنیت اجتماعی، عدالت اجتماعی

^۱ - استادیار و عضو هیئت علمی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد هشتگرد، دانشگاه آزاد اسلامی، البرز، ایران: نویسنده مسئول

Mohsen_Jalilvand@yahoo.com

^۲ - دانش آموخته کارشناسی ارشد، علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران

r_hashemi85@yahoo.com

پیش شرط اساسی توسعه و رفاه هر جامعه‌ای وجود امنیت در تمامی ابعاد اجتماعی و سیاسی است و تا هنگامی که شهروندان یک جامعه نتوانند از تهدیدها، اضطراب‌ها و مداخله بیگانگان در امان باشند، نمی‌توانند در توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی توفیق پیدا کنند. امنیت انسانی که همان توانمندسازی شهروندان جامعه برای تأمین سلامت خود در مقابل مخاطرات ناشی از اعمال حاکمیت دولت، سوانح طبیعی، نابرابری‌های اجتماعی و فرهنگی، پیوسته مورد تأکید دین بوده و برای رفع موانع و تحقق آن، راهکارهای مشخصی را به مؤمنان ارائه نموده است. ادیان با زمینه‌ها و عوامل تهدید کننده امنیت انسانی از قبیل ظلم، تعدی و تجاوز، اجبار، تهدید و ارباب دیگران و تبعیض به شدت مبارزه کرده است و برای تحقق آن آموزه‌های رهایی بخش را توصیه نموده است. از دیدگاه اسلام، فلسفه حقیقی تشکیل حکومت، تأمین امنیت انسانی است و یکی از اهداف مهم تشکیل حکومت جهانی در عصر ظهور منجی عالم بشریت، تحقق امنیت تمامی انسان‌های جهان می‌باشد. از دیدگاه ادیان، وحدت و اتحاد میان اقوام مختلف و ادیان و مذاهب در هر جامعه‌ای می‌تواند امنیت انسانی را به ارمغان آورد و از این رو توهین و به استهزاء گرفتن معتقدات و آداب و رسوم و زبان و مذاهب دیگر را به جهت تقویت امنیت انسانی ممنوع شمرده است. از بعد امنیت فردی، دین بر حیات و زندگی و نیز آبرو و آزادی اشخاص از تعرض سایر افراد جامعه و یا از سوی حاکمیت تأکید شده است، بنابراین دستگیری نابجای افراد و یا محدود کردن آزادی اندیشه و افکار مردم یا احزاب مانع جدی در راه تحقق امنیت روانی شهروندان محسوب می‌گردد. دین در ساحت امنیت سیاسی نیز بر ترک استبداد حاکمان و برخورد عادلانه با اقشار مختلف مردم توصیه نموده و بیعت و پذیرش حاکمیت حاکمان مؤمن و راستین را گامی مهم در جهت تحقق امنیت سیاسی تلقی کرده است. (ضمیری، ۱۳۸۷)

در قرآن کریم و ادبیات اسلامی، امنیت در ابعاد مختلف مورد عنایت قرار گرفته است. حضرت علی^(ع) در روایتی حکیمانه و ژرف پیرامون امنیت می‌فرماید: «لا نعمه أهنأ من الأمن: نعمتی گوارتر از امنیت وجود ندارد» در قرآن کریم امنیت در قالب کلی آن در دو بخش امنیت فردی و امنیت جمعی (امنیت جامعه) به شکل گویا و شفاف مطرح شده است.

الف: امنیت فردی

«الذین امنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الأمن». «کسانی که ایمان آورده و ایمان خویش را به ظلم و ستم نیالودند، امنیت برای ایشان است». در این آیه شریفه امنیت واقعی و پایدار، ویژه

کسانی است که ایمان داشته و از ایمان خویش مراقبت و پاسداری می کنند و چنین کسانی هستند که طعم و گوارایی امنیت را درک می کنند. براساس این آیه شریفه، ایمان تولید کننده امنیت پایدار است، مشروط بر اینکه مرزهای آن توسط ظلم و ستم مورد تعدی قرار نگیرد و گناه و جرایم ویران کننده و زوال بخش مرزهای امنیت پایدار هستند. (انعام، ۱۸)

ب: امنیت جامعه و اجتماع

«و ضرب الله مثلا قرية كانت آمنه مطمئنه ياتيها رزقها رغدا من كل مكان فكفرت بأنعم الله، فاذاقها الله لباس الجوع والخوف بما كانوا يصنعون». «خداوند مثالی می آورد از سرزمینی (جامعه ای) که دارای امنیت اطمینان بخش بود به نحوی که نعمت، ثروت و رفاه از هر سویی به آن جامعه جاری بود و لکن آن اجتماع و جامعه به نعمت های خداوند کفر ورزیدند، در نتیجه خداوند لباس گرسنگی (قحطی) و بیم و هراس (ناامنی) را به سبب کفران نعمت، به آنان پوشانید». دقت در آیه شریفه بیانگر این نکته دقیق و قانون الهی است که ناسپاسی، کفران نعمت و انجام گناهان و اعمال ناپسند، موجبات زوال و تباهی رفاه، آسایش و برکات است و زمینه ساز استیلا و گسترش ناامنی و هراس در جامعه خواهد بود. بنابراین، دو عنصر ایمان و عمل صالح تولید کننده امنیت پایدار و قابل اعتماد در ابعاد فردی و اجتماعی است و بی ایمانی و انجام گناه و کفران نعمت و ناسپاسی موجب تباهی، انحطاط و زوال امنیت خواهد بود. (نحل آیه ۲۱۱)

واکاوی اندیشه سیاستمداری همچون امام خمینی (ره) که خارج از چارچوب های رایج علوم اجتماعی می اندیشید و عمل می کرد، به ویژه در خصوص مفاهیم مدرنی چون امنیت ملی، به غایت دشوار است. برای فهم بهتر نگرش امام به مقوله امنیت و ابعاد مختلف آن، می بایست اولاً تأملی در مبانی هستی شناختی، انسان شناختی و جامعه شناختی ایشان شود، چون به نظر می رسد موضوع امنیت همچون سایر مفاهیم و موضوعات سیاسی و اجتماعی، اجزایی از یک مجموعه فکری کلی و منسجم هستند که متأثر از نوع نگاه ایشان به عالم و آدم و اجتماع شکل می گیرند. تا نگاه کلان امام^(۵) یا مبانی فکری و فرانظری ایشان درک و فهم نشود، هرگونه نتیجه گیری از دیدگاه های ایشان درباره موضوعات خرد همانند امنیت ملی و ابعاد آن، ممکن است راهی به بیراهه باشد. ثانیاً، چون امام از مفاهیم جدید و خصوصاً برداشت های نو و دانشگاهی آنها (مثل مفهوم امنیت ملی و مشتقات آن) کمتر استفاده می نمود، با غور در ادبیات گفتمانی ایشان، تلاش شود آن دسته واژه ها و کلماتی که در ادبیات امام به مفهوم امنیت ملی و با برداشت مدرن آن نزدیکی و همخوانی دارد، شناسایی شوند تا از آن طریق به برداشت امام از امنیت و ابعاد آن پی ببریم. (واثقی، ۱۳۸۰: ۲۰)

مبانی هستی شناختی، انسان شناختی و جامعه شناختی اندیشه امام^(ع)

تأمین امنیت و امنیت ملی، یکی از وظایف اولیه و کارکردهای ذاتی دولت و اساس تشکیل نظام‌های سیاسی مدرن است. دولت‌ها موظف به فراهم ساختن شرایطی هستند که در آن، شهروندانشان بتوانند با آسودگی، ارزش‌های مورد قبول خویش را تحقق بخشند. ارزش‌ها متأثر از ایدئولوژی‌ها، ادیان، فرهنگها، تاریخ و آداب و رسوم و فرآیندهای اکتسابی، از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر متفاوت هستند. همه عوامل مذکور به نوعی متأثر از نوع نگاه انسان‌ها به هستی، انسان و جامعه می‌باشد. ماهیت نظام‌های سیاسی و چگونگی کارکردهای گوناگون دولت‌ها- از جمله تحقق امنیت- به شدت از گفتمان حاکم در آن جامعه نسبت به سه مقوله هستی، انسان و جامعه تأثیر می‌پذیرد. بر همین اساس، اگر بخواهیم به تلقی و نگرش امام از امنیت و چگونگی دیدگاه ایشان نسبت به ابعاد آن پی ببریم، لاجرم و به عنوان مقدمه‌ای ضروری، باید ولو به اجمال، نگاهی به مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی امام داشته باشیم.

مبانی هستی‌شناسی امام خمینی، از حیث هستی‌شناسی، در زمره اندیشمندان اصالت وجودی قرار می‌گیرد. هستی در نگاه ایشان هدف دار و دارای مبدأ و معاد است. در این نگاه، جهان مادی در نازل‌ترین مرتبه وجود است. «عالم طبیعت در آخر موجودات عالم وجود واقع شده است، یعنی منتهی الیه عالم... پست‌ترین عالم‌ها عالم طبیعت است». جهان عوالم گوناگونی دارد. «هستی اعم از غیب و شهادت است و چیزی که ماده ندارد، می‌تواند موجود باشد». تمام چیزهایی که در عالم واقع می‌شود از همان جلوه است و چون همه امور و همه چیزها از اوست و به او بر می‌گردد، هیچ موجودی از خودش چیزی ندارد». از ویژگی‌های اساسی این عالم، ابعادی چون غیب و شهود، غایت مندی، برخورداری از خالق مدبر، قانونمندی، ابتناء بر عدل، مسخر انسان بودن و صراط برای انسان می‌باشد. امام^(ع) نظام هستی را نظام اکمل و احسن و جلوه حضور حق تعالی یا محضر خدا می‌داند. این سرا یعنی حیات دنیوی را دار فنا و تغییر دانسته و سرای جاویدان و آخرت را دار بقاء و ثبات و زندگانی ابدی می‌بیند. در نگاه ایشان، خداوند، قادر متعال خالق و آفریننده جهان هستی است و در نتیجه، مالک آن و دارای حاکمیت مطلقه بر آن است. او هادی، راعی، مدیر و مدبر کلیات جهان هستی است. (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۱۴۶)

در نگاه امام، سه عالم ملک، ملکوت و لاهوت، از مراتب هستی می‌باشند. عالم ملک دنیاست و عالم ملکوت، عالم غیب است که ملکات صالحه و فاسده انسان در آن ظاهر می‌شود. عالم لاهوت عالم وحدت است. عالم محسوس مرتبه نازل هستی است و عالم الوهیت، مرتبه اعلای هستی و

مقصد اعلی است. در نگاه امام، کل هستی به عنوان نظام واحد، دارای اجزای مرتبط است. انسان موجود متحرک است، از مرتبه طبیعت تا مرتبه غیب، تا فنا در الوهیت. زندگی فردی و اجتماعی انسان باید با این کلیت منظم، هماهنگ شود. همانگونه که فطرت او با آن هماهنگ است. فلسفه تشریع الهی نیز هماهنگی مصالح انسان با مصالح هستی است. (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۱۵۲)

مبانی انسان شناسی امام خمینی، بخشی از هستی ایشان است. ایشان انسان را در کلیت هستی و به عنوان بخشی اساسی از آن مورد بررسی قرار می دهد. از دیدگاه امام، انسان در بین تمامی مخلوقات هستی، اشرف و برتر است: «انسان مجموعه همه عالم هاست. کأنه خدای تبارک و تعالی دو نسخه موجود فرموده است: یک نسخه تمام عالم، یک نسخه کوچک... یعنی انسان عصاره همه موجودات عالم است. یعنی در انسان همه چیز است». (صحیفه، نور، ج ۸: ۲۵۴)

ایشان به تأسی از عالم هستی، انسان را نیز دارای مراتب وجودی دوگانه محسوس و نامحسوس می دانند: «بدان که انسان، اعجوبه ای است دارای دو نشئه و دو عالم. نشئه ظاهره ملکیه دنیویه که آن بدن اوست و نشئه باطنه، غیبیه و ملکوتیه که از عالم دیگر است و نفس او، که از عالم غیب و ملکوت است، دارای مقامات و درجاتی است». «انسان موجودی است که خدای تبارک و تعالی آن را خلق کرده است برای اینکه همه جهاتی را که در عالم هست، در انسان هست، منتها به طور بالقوه است، به طور استعداد است و این استعدادها باید فعلیت پیدا کند». (صحیفه نور، ج ۷: ۲۸۲)

در مقایسه دو عالم انسانی نیز، مرتبه طبیعی انسان بسیار نازل است و وظیفه انسان، ارجاع امور به مرحله توحیدی است: «انسان یک مراتبی دارد که مرتبه طبیعی اش از همه مراتبش نازل تر است و محسوس ماست... اسلام برای برگرداندن تمام محسوسات و تمام عالم به مرحله توحید است. تعلیمات طبیعی و ریاضی (صرف) نیست. همه اینها را دارد. لکن اینها مهار شده به توحید، برگرداندن طبیعت و همه ظل های ظلمانی به آن مقام نورانی که آخر، مقام الوهیت است». از دیدگاه امام، انسان برخوردار از عواطف، گرایش ها و معارف است که خدای تعالی از بین جمیع مخلوقات صرفاً بندگان را به آنها مفتور ساخته است. فطرت انسانی و احکام آن از جمیع احکام بدیهیه بدیهی تر است. فطرت عشق به کمال و خیر مطلقه و فطرت تنفر از نقص و شر و شقاوت. یکی از گونه های فطرت انسان، میل به آرامش و امنیت جویی اوست: «بدان که یکی از فطرت های الهیه که مفتور شده اند جمیع عایله بشر بر آن، فطرت عشق به راحتی است، که اگر در تمام دوره های تمدن و توحش و تدین و سرخودی این نوع مراجعه شود و از تمام افراد عالم و جاهل، وضع و شریف، صحرايي و شهری، سوال شود که این تعلقات مختلفه و اهوویه متشتته برای چیست؟ و این همه

تحمل مشاق و زحمات در دوره زندگانی برای چه مقصد است، همه متفقال کلمه با یک زبان صریح فطری جواب دهند که ما همه، هر چه می‌خواهیم برای راحتی خود است». در مجموع، از دیدگاه امام، انسان موجودی است که بالقوه توانایی و استعداد شدن و رسیدن به بالاترین مراتب کمال و درجات معنوی را داراست. ضرورت ارسال انبیا و رسولان الهی نیز به همین مسأله، یعنی تکامل پذیری و تکامل طلبی انسان باز می‌گردد، ولی اگر در حدود طبیعی و زیست مادی، چون سایر موجودات بود، نیازی به آمدن رسولان، تذکر و ابلاغ پیام الهی نیز نبود. (افتخاری، ۱۳۸۵: ۵۲)

مبانی جامعه شناختی امام خمینی، در راستای نگرش هستی شناسانه و انسان شناسانه ایشان قرار دارد. فلسفه تشکیل اجتماع و رایج تکاملی آن یعنی جامعه سیاسی و تشکیل حکومت و کارکرد سیاست، چیزی نیست جز به فعلیت رساندن استعدادهای خدادادی انسان در چارچوب و هماهنگی با نظام خلقت و هستی احسن و اکمل موجود: «نوع انسان در دنیا با معاونت و معاضدت بعضی با بعضی زندگی راحت می‌تواند بکند. زندگانی انفرادی برای هیچ کس میسر نیست، مگر آنکه از جامعه بشریت خارج شده به حیوانات وحشی ملحق گردد و زندگانی اجتماعی، چرخ بزرگش، بر اعتماد مردم به یکدیگر می‌چرخد». به عبارت دیگر، ضرورت شکل‌گیری اجتماعات انسانی و متعاقب آن، تشکیل حکومت‌ها و اجرای سیاست‌ها مرتبط با نگرش هستی شناسانه و انسان شناسانه وی می‌باشد، زیرا به رغم فطرت کمال طلب، حقیقت جو، عدالت خواه و جمال پسند انسان، این احتمال وجود دارد که در عالم طبیعت تحت سلطه قواعد طبیعی و مادی محض درآمده و از هدف اصلی خلقت که همانا رسیدن به مقام "کالاهویه" است، بازماند. (صحیفه امام، ج ۴: ۱۸۶)

تشکیل جامعه، پاسخ به یکی از نیازهای ضروری و فطری انسان است، اما از دیدگاه امام، جامعه و سیاست خوب آن است که «شرایط اجتماعی مساعدی برای تربیت افراد مؤمن و با فضیلت فراهم شود» و «علاوه بر امور مادی، به معنویت و حفظ و گسترش آن در جامعه توجه شود». «سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را مدنظر بگیرد و جامعه را در نظر بگیرد و اینها را هدایت بکند به طرف آن چیزی که صلاح‌شان هست، به صلاح ملت هست، صلاح افراد هست» در مجموع، امام با تفکیک سه نوع سیاست شیطان (ظالمانه و مبتنی بر خدعه و نیرنگ)، سیاست یک بعدی (عادلانه و مبتنی بر سعادت دنیوی انسان) و سیاست الهی (عادلانه و مبتنی بر سعادت دنیوی و اخروی انسان)، بر این نکته تأکید دارد که تنها در ذیل سیاست اخیر است که امید می‌رود انسان بتواند در صراط مستقیم مورد نظر قرآن گام بردارد. (نوبدینیا، ۱۳۸۴: ۲۰)

امنیت و مفاهیم مرتبط با آن در کلام امام خمینی^(۵)

در ادبیات گفتاری و نوشتاری امام^(ره)، از واژه‌ها و مفاهیم مدرن کمتر استفاده می‌شد. مفهوم امنیت و امنیت ملی نیز چنین وضعیتی دارد. البته، این نباید به معنای کم اهمیت دانستن یا نادیده گرفتن موضوع از سوی ایشان قلمداد شود. اگر امنیت ملی را شرایط و فضایی بدانیم که طی آن هر ملت قادر است از ارزش‌های مورد نظر خویش محافظت نماید و در جهت ذیل به آنها گام بردارد، بدیهی است این موضوع را به عنوان یکی از کار ویژه‌های اساسی دولتها، می‌توانیم در آثار و سخنان امام^(ره) در قالب واژه‌ها و مفاهیم مختلف شناسایی نموده و با غور در آنها، به هدف اصلی خود که همانا تبیین ابعاد امنیت در اندیشه امام خمینی^(ره) است، دست یابیم.

ابعاد امنیت در اندیشه امام خمینی^(ره)

در کلام امام خمینی^(ره)، نمی‌توان به صورت مستقیم نشانی از تأکید بر ابعاد امنیت ملی دید و یا ترجیحاتی در خصوص آن مشاهده کرد. توجه و تأکید بر بعدی از ابعاد امنیت ملی، استنباطی است که می‌توان از آراء و اندیشه‌های ایشان داشت. تأکید امام بر بعدی از ابعاد امنیت متأثر از مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناختی و سیاست‌شناسی وی است. با در نظر گرفتن تفاوت کلامی و گفتمانی امام با گفتمان و ادبیات مدرن مطالعات امنیتی، ابعاد امنیت در اندیشه ایشان را می‌توان به شرح ذیل مطرح و توضیح داد.

بعد معنوی و اخروی امنیت: در نگاه امام، هدف اصلی دولت‌ها به عنوان متولیان اداره و تدبیر امور جوامع انسانی، جلوگیری از پیدایش مفسده و خروج آنها از دایره فطرت انسانی است. بر همین اساس، جهت‌گیری اصلی سیاست، علاوه بر تأمین نیازمندی‌های مادی و دنیوی انسانها، فراهم ساختن بسترهای مناسب برای توسعه و تعمیق معنویت و هدایت آنهاست. این نکته، وجه ممیزه رویکرد امام نسبت به دیگر متفکران در زمینه ابعاد امنیت می‌باشد. برخلاف تمامی رویکردهای چهارگانه یاد شده نسبت به ابعاد امنیت که صرفاً به ارزش‌های این جهانی و دنیوی شهروندان توجه دارند، امام اصولاً بعد اصلی امنیت انسان‌ها را اخروی دانسته و امنیت این جهانی در تمامی ابعادش را، مقدمه‌ای برای آن می‌داند: «همه اینها مقدمه این است که یک آرامشی در این بلاد پیدا بشود و دنبال این آرامش یک سیر روحی پیدا بشود، یک هدایت به سوی خدا پیدا بشود. آن چیزی که اساس است سیر الی الله است، توجه به خداست، همه عبادات برای اوست. همه زحمات انبیا از آدم تا خاتم برای این معنا هست که سیر الی الله باشد». (صحیفه امام، ج ۱۹: ۵۱) حتی از نظر امام، در نظر گرفتن همه ابعاد حیات اجتماعی باید معطوف به بعد اخروی انسان‌ها باشد. بعد اخروی امنیت بر بعد مادی آن اصالت دارد. اولی هدف و دومی ابزار و وسیله‌ای برای رسیدن به آن است.

«سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست...». (صحیفه امام، ج ۱۳: ۴۳۲)

«در دنیای امروز، که گفته می‌شود دنیای صنعت است، رهبران فکری می‌خواهند جامعه بشری را نظیر یک کارخانه بزرگ صنعتی اداره کنند، در حالی که جوامع از انسان تشکیل شده است که دارای بعد معنوی و روح عرفانی است. اسلام در کنار مقررات اجتماعی، اقتصادی و غیره به تربیت انسان بر اساس ایمان به خدا تکیه می‌کند و در هدایت جامعه از این بعد بیشتر برای هدایت انسان به طرف تعالی و سعادت عملی کند». (صحیفه امام، ج ۵: ۴۱۰)

امنیت معنوی و اخروی. بشر از جایگاه ویژه‌ای در اندیشه امام خمینی^(۵) برخوردار است. به یک اعتبار، می‌توان گفت فلسفه خلقت بشر و ارسال رسل (بعثت انبیا) و تشکیل اجتماعات سیاسی، تحقق چنین هدفی می‌باشد. بر این اساس، در اندیشه امام، بعد معنوی امنیت بر بعد مادی آن رجحان و برتری دارد. در بررسی‌های نظری، عموماً امنیت را در قالب فقدان تهدید تعریف می‌کنند که جنبه مادی دارد. احساس فقدان تهدید، جنبه ذهنی است که به معنای عدم خوف، در امام بودن و اطمینان داشتن است و در بردارنده حالاتی است که در آن فرد احساس آرامش می‌کند. از نظر امام، فرد تا زمانی که به خداوند متعال تکیه نزند، از چنین آرامش روحی و روانی برخوردار نخواهد شد. اطمینان از اعتقاد به خدا بر می‌خیزد و این وجه امنیت است، اما بعد مادی و معنوی امنیت از هم جا نیستند. امنیت معنوی مربوط به آخرت نیست. این نوع امنیت در این دنیا نیز فراهم می‌شود. آنها در تعامل با هم هستند.

بعد مادی و دنیوی امنیت. با وجود رجحان و برتری بعد اخروی امنیت در اندیشه امام، نمی‌توان این حقیقت را کتمان نمود که تحقق این بعد از امنیت، آنگاه امکانپذیر است که انسان در حیات دنیوی و مادی خویش، چه در سطح فردی و اجتماعی و چه در جنبه‌های مختلف آن (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، روانی و مانند آنها) از امنیت برخوردار باشد. با تأمل در آثار مختلف امام خمینی^(۵)، می‌توان جنبه‌ها و وجوه گوناگونی را برای بعد مادی امنیت که دولت اسلامی مؤلف به تأمین آنهاست، برشمرد. (طباطبایی مؤتمنی، ۵۱: ۱۳۷۰)

الف: بعد سیاسی: امام^(۵) به دلیل نگرش بنیادی خود به ارتباط عمیق سیاست و دیانت، تأکید بسیاری بر تشکیل دولت و نقش آن در هدایت جامعه و تأمین امنیت دنیوی و اخروی انسان‌ها دارد. وی نقش اساسی را به دولت می‌دهد و آن را در هدایت جامعه بسیار مؤثر می‌داند. در همین حال،

امام دولت را در درون اهداف الهی و مقررات شریعت می‌نهد تا بر اساس آن، به گونه‌ای رفتار نکند که امنیت و آسایش جامعه و آحاد مسلمانان به هم بریزد. امام^(ره) برای تأمین امنیت انسان‌ها بر رفتار قاعده مند دولت تأکید می‌کند: «هیچکس حق ندارد به خانه یا مغازه یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن وارد شود یا کسی را جلب کند، یا نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید... یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد...». امام بر این عقیده است که اقدام خارج از قواعد و قوانین شرعی و اسلامی می‌تواند دولت را به عنصر تهدید کننده امنیت تبدیل کند و آسایش روانی مسلمانان را به هم بریزد.

ب: بعد اقتصادی: بعد اقتصادی نیز یکی دیگر از ابعاد امنیت است که در آراء و اندیشه امام، ذیل امنیت جامعه مسلمانان معنا می‌یابد. امام به طور خاص، بعد اقتصادی امنیت را طرح نمی‌کند. این بعد از امنیت به بعد سیاسی و حکومتی امنیت بر می‌گردد. عملکرد دولت باید به گونه‌ای باشد که نیازهای مادی انسان‌ها را فراهم کند و توزیع ثروت در جامعه نباید به گونه‌ای باشد که موجب برهم زدن آرامش افراد شود. از نظر امام، هر چیزی که برابری را در جامعه از بین برده و امتیازات پوچ و بی محتوا را حاکم کند، غیر قابل قبول است و باید با آن مبارزه کرد. امام به بعد اقتصادی امنیت از منظر اجتماعی نگاه می‌کند. عدالت مبنای آرامش است. بی عدالتی موجب از بین رفتن امنیت در جامعه می‌شود. «پیغمبر اسلام (ص)^(ع) تشکیل حکومت داد، مثل سایر حکومت‌های جهان، لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی». ایشان اصلاتی برای بعد اقتصادی امنیت قابل نبود و تأکیدی بر آن نداشت، اما بی عدالتی را عامل بر هم زنده امنیت می‌دانست. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۰: ۵۳)

ج: بعد فرهنگی و اعتقادی: در آراء و اندیشه امام^(ره)، بیشترین تأکید بر بعد فرهنگی و اعتقادی امنیت است. اعتماد و اطمینان مبتنی بر اعتقاد به خداوند و توانایی جامعه مسلمانان در اداره جامعه و توکل به خدا برای یاری رساندن به انسان‌های مؤمن، بنیان امنیت در اندیشه امام است. امام در مبارزه با دولت‌های استعماری، همیشه بر بعد انسانی و توان انسانی تأکید داشت: «اینها نیروهای انسانی ما را از بین بردند، نگذاشتند رشد بکند. در خود کشور ما جوری کردند که محتوای انسان را از بین بردند، یک صورتی گذاشتند و محتوا را گرفتند. طوری کردند که اعتماد ما هم به خودمان تمام شد. استقلال فکری ما را، استقلال روحی ما را، از دست ما گرفتند. این بدتر از آن استقلال گرفتاری بود که کشور ما استقلال نداشت. در همین حال، امام بر آزادی اندیشه تأکید دارد و بر این باور است که پرورش انسانها در فضای آزاد امکانپذیر است. انسانها در فضایی می‌توانند

رشد و تعالی یابند که اجازه تبادل افکار و اندیشه بدون محدودیت‌های ساخته شده را داشته باشد. از نظر ایشان، در جامعه و حکومت اسلامی، همه افراد آزادند هرگونه عقیده‌ای داشته باشند. «در جمهوری اسلامی ایران هر فردی از حق آزادی بیان عقیده برخوردار خواهد بود. در اندیشه ایشان، ابعاد امنیت، همگی ابزارهایی برای تأمین هدفی ارزشمند هستند و آن همانا حفظ اسلام و تعالی انسان است. اگر بعد اعتقادی و فرهنگی در جامعه قوی باشد، تهدیدات اثری نخواهند داشت. حتی اگر امنیت مادی قرار از بین برود، آنها احساس ناامنی می‌کنند، زیرا هدف و غایت نهایی پا برجاست. «ما خودمان را باید فدا کنیم برای اسلام، آمال و آرزوهایمان را باید فدا کنیم برای اسلام». «تکلیف ما این است که از اسلام صیانت کنیم و حفظ کنیم اسلام را. من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهانخواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد». در اندیشه امام خمینی^(ع) همه ابعاد دیگر امنیت ذیل این هدف معنا و مفهوم می‌یابند. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۰: ۵۴)

د: بعد نظامی: بعد نظامی امنیت در اندیشه امام^(ع) در چارچوب، الزامات حکومت داری و ضرورت حفظ تأمین امنیت جامعه مسلمانان در برابر هجوم بیگانگان طرح می‌شود. تا زمانی که تهدیدات نظامی وجود دارد، دولت ناگزیر است با تجهیز مردم و تأمین تسلیحات مورد نیاز، به دفاع از میهن اسلامی بزخیزد. این برداشت در اندیشه امام، جنبه شرعی نیز دارد و مبتنی بر یافته‌های عقلی است. ایشان در کتاب البیع، «حفظ مرزهای کشور اسلامی و جلوگیری از تسلط تجاوزگران بر آن عقلاً و شرعاً واجب» می‌دانند.

و: بعد هستی شناختی و هویتی: تأکید امام بر بعد معنوی و عقیدتی، نشان دهنده نگاه چند بعدی ایشان به امنیت است. هر چند امام در قالب مفاهیم مدرن سخن نمی‌گفت و اندیشه‌هایش را این قالب‌ها طرح نمی‌شد، اما نسبت به حفظ و تأمین ارزش‌ها و هویت‌های اسلامی به شدت حساس بود و تأکید می‌کرد. ایشان هر دو بعد مادی و احساسی و روانی امنیت را مدنظر داشت و افکار و عقاید خود را در قالبی خاص بیان می‌کرد: «همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی‌تان - به خیال خام خودشان - بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست». «من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند. اسلام هویت و هستی مسلمانان است. تهی کردن جامعه از ارزش‌های اسلامی، به معنای نابود کردن آن است، حتی اگر به ظاهر پابرجا و حضور

داشته باشد. در اندیشه امام، بقای جامعه اسلامی به حفظ و تداوم ارزش‌های الهی بستگی دارد. ارزش‌های اسلامی به آنها هویت و معنا می‌دهد و تهدید این ارزش‌ها، تهدید اسلامی جامعه و هستی آن است.

ه: بعد زیست محیطی: بعد زیست محیطی امنیت، یکی از مفاهیمی است که در زمان امام (ره) حتی در فضای دانشگاهی هم مطرح نبود و از این رو، نمی‌توان انتظار داشت ایشان به این بعد از امنیت توجه کند. در عین حال، نگاه ایشان به مسایل زیست محیطی، مدرن و از منظر موضوعات حکومت داری بود که لازمه فراهم آوردن محیطی امن و آرام برای جامعه مسلمانان است. از این منظر، امام به بعد زیست محیطی امنیت توجه داشت و دست کم در چند مورد، بر ضرورت حفظ آن تأکید کرد. در یک مورد در پاسخ به یک نامه، مثال ضرورت حفاظت از جنگل‌ها را طرح کرده و می‌نویسند: «اینجانب لازم است از برداشت جنابعالی از اخبار و احکام الهی اظهار تأسف کنم... امروز هم شیعیان می‌توانند بدون هیچ مانعی با ماشین‌های کدایی جنگل‌ها را از بین ببرند و آنچه را که باعث حفظ و سلامت محیط زیست است را نابود کنند و جان میلیون‌ها انسان را به خطر بیندازند و هیچکس هم حق نداشته باشد مانع آنها باشد، منازل و مساجدی که در خیابان‌های کشی‌ها برای حل معضل ترافیک و حفظ جان هزاران نفر مورد احتیاج است، نباید تخریب گردد و امثال آن و بالجمله آنگونه که جنابعالی از اخبار و روایات برداشت دارید، تمدن جدید به کلی از بین برود و مردم کوخ نشی نبوده و یا برای همیشه در صحراها زندگی نمایند...». (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۴۹)

از جنبه مادی، امام خمینی، ابعاد گوناگونی را برای امنیت ملی در نظر داشته‌اند. از این حیث، نگاه ایشان به ابعاد امنیت را می‌توان با رویکردهای متأخر نسبت به این موضوع، نزدیک دانست، با این تفاوت که امنیت انسان و جوامع انسانی را صرفاً محدود و خلاصه در بعد مادی آن نمی‌دانستند. امام به رغم اکراه در به کارگیری مفاهیم جدید، نگاهی مدرن به زندگی اجتماعی داشت و از این رو، به طور ضمنی، نه تنها به ابعاد گوناگون امنیت توجه می‌کرد، بلکه از منظری وسیع و نگاهی پویا، تمام ابعاد مادی و معنوی مسایل را در نظر می‌گرفت. نگاه چند بعدی به امنیت، به او این امکان را می‌داد که در کنار مسایل اخروی و دینی، به تدبیر امور این جهانی نیز بپردازد. نگاه چند وجهی امام به امنیت ملی، ویژگی دیگری هم دارد که آن را می‌توان نگرش تعاملی به امنیت ملی و فردی دانست. نکته قابل تأمل در اندیشه ایشان، این است که از یک منظر به فرد انسانی و از سویی، به دولت توجه دارد. ایمان و اعتقاد به خدا و رسیدن به نفس مطمئنه، مهمترین مرحله در رسیدن به آرامش و امنیت است. این بخش از صحبت امام، در فرازهای گوناگون به افراد جامعه بر می‌گردد،

اما در عرصه اجتماعی، ایشان امنیت فردی را با امنیت ملی و جمعی در تعامل دیده و در اندیشه سیاسی خود، بیشترین بهاء را دولت ملی می‌دهد. تأکید امام بر دولت، هم از منظر کارگزاری امنیت است و هم به دلیل نقش برجسته آن در تأمین اهداف مادی و معنوی جامعه و مسلمانان. نکته دیگر این است که ابعاد مادی امنیت، در نگاه امام به امنیت ملی، اهمیت یکسانی ندارند و اولویت آنها در زمان‌های مختلف تغییر می‌یابد. پس از تشکیل حکومت به عنوان ابزاری ضروری تأمین ابعاد مادی در قالب ابزارها و سازوکارهای تأمین امنیت، ابعاد معنوی نیز هم به عنوان سازوکار تأمین امنیت ظاهر می‌شوند و هم نقش پررنگی در هدف گذاری برای افراد و دولت دارند. در نگاه امام، این دو بعد از امنیت در تعامل با هم هستند، اما این بعد معنوی است که اصالت دارد. در میان ابعاد پنجگانه امنیت، در اندیشه امام، بعد سیاسی اهمیت بیشتری یافته و دولت، نقش اساسی در تأمین امنیت و اهداف دارد. در نگاه ایشان، دولت تک بعدی و تک ساختی نیست، بلکه ذوجهین و تعیین کننده است. نقش دولت در تأمین امنیت افراد در درون جامعه و در برابر دولت‌های دیگر، بسیار برجسته است. برای حفظ نظام سیاسی می‌توان بسیاری از احکام الهی را موقتاً تعطیل کرد. در این بعد، حفظ سیاسی مستقر، امنیت ملی را تشکیل می‌دهد و سایر ابعاد امنیتی تحت الشعاع آن قرار می‌گیرند. اینکه امام به بعد سیاسی اهمیت زیادی می‌دهند، جنبه دیگر هم دارد و آن تأکید بر مشروعیت دولت و رضایت مردم از آن است. در نگرش امام، دولتی می‌تواند پابرجا باشد که از مشروعیت کافی برخوردار باشد. از این منظر هم بعد سیاسی امنیت بیشتری دارد. رضایت مردم می‌تواند ضامن بقای دولت و امنیت جامعه در برابر تهدیدات بیرونی نیز باشد. در مجموع، امنیت و امنیت ملی در اندیشه امام، ابزار است نه هدف. کما اینکه، کل سیاست نیز ابزار است. ابزاری در خدمت سیر الی الله در دنیای فانی طبیعت. به دیگر سخن، امنیت بخشی از سیاست است و سیاست خود متأثر از نگاه هستی شناسانه و انسان شناسانه اوست. اگر سیاست را شرایط و فضایی بدانیم که ارزش‌های هر ملت در آن حفظ می‌شود و از قوه به فعلیت در می‌آید، امنیت کارکردش ایمن ساختن و هموار کردن این شرایط است. دولت نقش تعیین کننده‌ای در تأمین امنیت دارد. از این رو، در اندیشه امام، بعد سیاسی امنیت به نسبت ابعاد دیگر اهمیت بیشتری یافته و نقش مؤثرتری در تأمین امنیت ایفا می‌کند.

امام معتقد است که: «اسلام برای همه است و ما همه در تحت لوای اسلام ان شاءالله امیدوارم با رفاه و امنیت زندگی کنیم». مقام معظم رهبری کلام جامع و راهبردی امام را چنین تبیین می‌نماید: امام می‌دانست که اگر ما به اسلام متمسک شویم هم عزت دنیا و هم رفاه مادی، هم قدرت

سیاسی، هم آسایش و هم امنیت عمومی برای مردم پدید خواهد آمد؛ لذا امام اسلامیت را به معنای حقیقی کلمه در بافت نظام اسلامی و این بنای مستحکم و شاخص گذاشت. انقلاب شکوهمند و نظام سرافراز جمهوری اسلامی ایران، سه دهه پرنشیب و فراز را سپری کرده و به آستانه دهه چهارم گام نهاده است و فرهنگ غنی و دینی آن گستره گیتی را در نور دیده و تأثیر فراوانی در اندیشه و افکار صاحب نظران و تئوری پردازان گذاشته است. میراث گرانشنگ اندیشه‌های تابناک امام خمینی و گنجینه ارزشمند دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در تعریف و باز شناخت فرهنگ اصیل اسلامی طرحی نو در انداخته و در حوزه اندیشه سیاسی و مفاهیمی چون امنیت ملی، ساختار نظریه پردازی و تحلیل و تبیین را بر شالوده آموزه‌های دینی و فرهنگ اصیل اسلامی بنا نهاده‌اند. به رغم نارسایی مفهومی و عدم جامعیت در تعریف منطقی امنیت ملی، این اصطلاح رایج سیاسی در فرهنگ‌های نظام‌های سیاسی گوناگون کاربردهای متفاوتی دارد. از نگاه امام و رهبری، امنیت ملی دارای مفهوم چند وجهی و سیال و برخاسته از آرمان و سیاست کلی نظام جمهوری اسلامی است. در این مقاله با رویکرد به اندیشه‌های این بزرگواران وجوه و مؤلفه‌های استقرار امنیت ملی نظام جمهوری اسلامی و چالش‌های ملی آن را مرور می‌کنیم. (تاجیک، ۱۳۸۳: ۸۰)

امنیت اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری

امنیت ملی بیانگر تمام مقاصد دفاعی کشور است، یعنی آمادگی برای مخاصمه به خاطر بازداشتن آن یا دوری گزیدن از آن... روحیه نیروهای نظامی، تعداد و هوشمندی دانشمندان، تکنولوژی، ویژگی‌های رهبران و شخصیت‌های سیاسی و نظامی، موقعیت ژئوپلیتیکی و قدرت اقتصادی کشور از جمله عوامل مؤثر در امنیت ملی است». علاوه بر کشورهای صنعتی و پیشرفته، در کشورهای در حال توسعه نیز مقوله امنیت ملی به معانی مختلفی از جمله حفظ تمامیت ارضی، حفظ جان و مال مردم و نیز ارتقای منابع حیاتی کشور و دفع تهدیدات جدی از خارج و استمرار سیستم اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، تعمیم یافته است. امنیت ملی نظام جمهوری اسلامی در اندیشه رهبری همانند سایر مفاهیم و تعبیر مهم و محوری سیاسی در قلمرو مکتب حیات بخش اسلام و آموزه‌های دینی تفسیر و تحلیل می‌شود که مجموعه عواملی، همانند اعتقادات دینی، خدمتگزاری، عدالت طلبی، دشمن شناسی و مشارکت عمومی و... در پیدایش مؤلفه‌های امنیت ملی و استقرار آن سهیم هستند. بر این اساس «امنیت ملی» در نظام جمهوری اسلامی ایران یک مقوله قدسی و ارزشی به شمار می‌آید.

می‌توان گفت که امنیت مثل هوا برای انسان به طور مستمر لازم است. اگر جامعه امنیت نداشته باشد، حالت اختناق پیدا می‌کند مانند مجموعه‌ای که هوا در اختیار نداشته باشد. (همان، ۱۳۷۶/۴/۲۵) از نظر مقام معظم رهبری امنیت اجتماعی از دو جنبه مورد ملاحظه قرار گیرد. اولاً امنیت در همه ابعاد جامعه ایجاد شود و ثانياً آحاد مردم با هرگونه گرایش و سلیقه سیاسی، قومی، مذهبی از امنیت اجتماعی برخوردار باشند. (بیانات رهبری، ۱۳۸۶/۸/۲۰) در واقع امنیت اجتماعی یعنی مردم در محیط کار و زندگی خود، احساسا خوف، تهدید و ناامنی نکنند. (همان، ۱۳۷۳/۴/۲۹) انسانها برای زندگی، پرورش فکر، پیشرفت و آسایش روان، به محیط و فضای امن و آرام احتیاج دارند، چه در درون خودشان و چه در محیط خانواده، چه در محیط جامعه و چه در محیط بین‌الملل. (بیانات رهبری، ۱۳۸۹/۴/۱۹)

ابعاد و وجوه امنیت از دیدگاه مقام معظم رهبری

اصولاً شکل بندی امنیت ملی در صورت‌های مختلف خود را نشان می‌دهد و نظام‌های سیاسی که اساس آنان بر امنیت ملی تک بعدی قوام یافته است، در برابر حوادث و ناملایمات بیشتر شکننده هستند تا نظام‌هایی که امنیتشان بر چند پایه استوار است. برجسته ترین وجوه و ابعادی که برای امنیت ملی نظام جمهوری اسلامی ایران متصور است و از جمع بندی متن راهبردهای رهبری استخراج شده عبارتند از:

۱- امنیت فردی: یعنی هر فرد بتواند بدون دغدغه از امکانات عمومی بهره مند گردد و از آزادی-های قانونی و مشروع در جهت رشد و تعالی مادی و معنوی بهره برداری کند و با هیچ گونه مانع و تهدیدی مواجه نگردد و کرامت انسانیش رعایت شود.

۲- امنیت اجتماعی: یعنی آرامش و سلامت جامعه و رشد حس تعاون و همیاری و دوری از ناهنجاری‌ها اخلاقی، و رعایت قانون.

۳- امنیت اقتصادی: فراهم بودن زمینه‌های درآمد مناسب اقشار میانی و پائین جامعه در حل مشکلات معیشتی و مسکن، سرمایه‌گذاری و اشتغال، قانونمندی و سلامت در چرخه تولید، توزیع و مصرف، بهره‌وری مناسب از ذخایر و معادن، توسعه و مکانیزه نمودن بخش کشاورزی، رهایی از اقتصاد تک محصولی، خودکفایی در صنایع مهم و کلیدی و دستیابی به تکنولوژی‌های پیشرفته، تعادل و توازن در عرضه و تقاضا.

۴- امنیت سیاسی: تعامل احزاب و جناح‌های دلسوز انقلاب، پرهیز از تنش و درگیری‌های قومی و حزبی، وفاق و همدلی کارگزاران نظام، آرامش در محیط‌های علمی، سیاسی و رسانه‌ای، فضای

سالم و مناسب برای نقد منصفانه عملکردها، اقتدار نهادهای امنیتی و سیاسی در ردیابی تحرکات طراحان براندازی نرم و اشراف بر روند شکل‌گیری طرح‌های دشمنان و عوامل داخلی و منطقه‌ای آنان در توطئه‌های فرهنگی سیاسی و نظامی، حضور همگانی مردم در عرصه‌های گوناگون سیاست و حمایت همه جانبه از نظام اسلامی.

۵- امنیت قضایی: حفظ حقوق و حرمت شهروندی، اجرای یکسان قانون برای همه متخلفان، احقاق حقوق ستمدیدگان و مظلومان، ضابطه‌مندی و قاطعیت در مسیر مراحل قضایی پرونده‌های مفسدان سیاسی و اقتصادی.

۶- امنیت فرهنگی: رشد اخلاق دینی، ارتقاء فرهنگ عمومی و اسلامی، پویایی و گسترش ارزش‌های انقلاب و دفاع مقدس، فراهم بودن بسترهای مناسب تولید علم و تقویت جنبش نرم افزاری، استحکام پایه‌های معرفت دینی و ایمن‌سازی اخلاقی و روحی نسل جدید در برابر تهاجمات و شبیخون فرهنگی دشمنان.

۷- امنیت دفاعی مرزی و منطقه‌ای: ساماندهی و تقویت نیروهای مسلح متناسب با دفع تحرکات نظام دشمنان و نبردهای نامتقارن و ناهم‌تراز، خودکفایی تسلیحاتی در جهت بازدارندگی تهدیدات، تعامل سالم و سازنده با همسایگان، احترام متقابل و تفاهم بر محور مشترکات سیاسی، دینی و جغرافیایی در جهان اسلام، دیپلماسی فعال و تأثیرگذار در عرصه سیاست بین‌الملل. در بندهای اصل سوم و اصل بیست و دوم و یک صد و هفتاد و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به وجوه امنیت ملی اشاراتی دارد و اجرای برخی از اصول و بندهای آن منوط به استقرار امنیت در نظام جمهوری اسلامی است. (تاجیک، ۱۳۸۳: ۸۷)

مؤلفه‌های درونی استقرار امنیت

همانگونه که در تبیین «امنیت ملی» گذشت این اصطلاح سیاسی دارای مفهوم چند وجهی به کمک واژه‌های دخیل است. تبلور و استقرار امنیت ملی در حاکمیت و جامعه نیز مشروط به فراهم آمدن زمینه مناسب رشد و توسعه در حوزه‌های گوناگون نظام جمهوری اسلامی است. در این بخش به اهمیت و جایگاه مؤلفه‌های درونی نظام جمهوری اسلامی که تحقق کامل و حضور جمعی آنها تجلی بخش امنیت ملی است اشاره می‌کنیم.

وفاق و همگرایی ملی: مهمترین شاخصه اندیشه سیاسی امام و رهبری، تأکید بر وحدت و همدلی میان تمام اقشار مردم و مسئولان است، زیرا شرایط فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی ایران به گونه‌ای است که همیشه امکان ایجاد رخنه برای نفوذ دشمن در آن فراهم است. اگر این اخوت ایمانی در

سرتاسر کشور ما محفوظ بماند و هرکس برای خودش توجه به خود نداشته باشد؛ توجه به مقصد داشته باشد و خودش را برای مقصدش بخواهد، هیچکس نمی‌تواند به این کشور تعدی کند. حفظ کردن نظام اسلامی این است که هر روز محکم کنیم برادری خودمان را، سر اغراض جزئی که زود می‌گذرد لطمه‌ای خدای نخواست به اسلام وارد نکنیم، لطمه به جمهوری اسلام وارد نکنیم. مقام معظم رهبری معتقد است که دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی در پرتو برکت معنوی وحدت حاصل آمده است و استمرار وحدت نیز عامل پویایی و ثبات نظام است. همیشه به برکت اتحاد کلمه توانستیم بزرگترین موانع را از سر راه خود برداریم؛ الان هم می‌توانیم به برکت اتحاد کلمه میان مردم و مسئولان، بزرگترین موانع را از مقابل راه حرکت این ملت برداریم. وحدت اقوام و مذاهب، هم اندیشی حوزه و دانشگاه، همگرایی اقشار مختلف مردم، همدلی نیروهای مسلح و در مرتبه عالی‌تر وحدت مسئولان و مردم شاخصه‌های اصلی وفاق و همگرایی در تأمین امنیت ملی نظام جمهوری اسلامی است. و حجم گسترده دیدگاه‌ها، راهبردها و راهکارهای امام و رهبری در تدوین چشم انداز حفظ دستاوردهای انقلاب و نظام اسلامی بر محور موضوع وحدت قرار دارد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۰/۱۰/۱۲)

ولایت مداری: رهبری و ولایت فقیه جامع الشرایط، تداوم بخش نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامت ائمه معصومین (علیهم السلام) و ضامن حاکمیت و اجرای احکام الهی است. رهبری در انقلاب و نظام اسلامی هدایتگر سکان کشتی انقلاب و ترسیم گر سیاست‌های کلی نظام اسلامی است که بیداری و جوشش میلیونی توده‌های مردم را به ارمان می‌آورد. مقام معظم رهبری درباره پیوند مردم با رهبر می‌فرماید: ولایت؛ یعنی آن حکومتی که در آن ارتباطات حاکم با مردم، ارتباطات فکری، عقیدتی، عاطفی، انسانی و محبت آمیز است، مردم به او متصل و پیوسته‌اند و به او علاقمندند. بدیهی است نقش رهبری در بسیج مردم در تمام مراحل انقلاب و حمایت و پیروی همه جانبه مردم از فرامین رهبری تضمین کننده امنیت ملی است. مقام معظم رهبری، حضور خالصانه و عاشقانه مردم ولایتمدار برگرد ستون خیمه انقلاب را عامل استحکام نظام و دفع توطئه‌ها می‌داند. تا وقتی که این اصل نورانی در قانون اساسی هست و این ملت از بن دندان به اسلام عقیده دارند، توطئه‌های اینها ممکن است برای مردم دردسر درست کند اما نخواهد توانست این بنای مستحکم را متزلزل کند. البته برتری ملت ایران در امتیازات ولایتمداری نسبت به مسلمانان صدر اسلام و تمجید و تکریم امام از این ملت قهرمان و فداکار در سخنرانی و وصیت نامه شان گواهی روشن بر

اصل مهم ولایت‌مداری مردم در پیروی از رهبرشان در گذر از تمامی شداید و بحرانها برای پیروزی انقلاب و تثبیت نظام اسلامی و دفع توطئه‌های دشمنان است. (باقری، ۱۳۸۰: ۳)

مشارکت عمومی: در نظام اسلامی پذیرش آرای مردم و حضورشان در عرصه‌های مختلف نظام عامل مقبولیت و پایداری آن است. به همین جهت امام در تمام مراحل انقلاب و تثبیت نظام حضور مردم را رکن مهم و پایه اصلی استحکام نظام می‌دانست و همواره به آرای عمومی تکیه می‌کرد. ایشان بر این باور بود که: «انقلاب اسلامی ما انقلابی است که به دست مردم صورت گرفته، مردم انقلاب کرده‌اند و مردم باید آن را به آخر برسانند». بنابراین تاکنون تمام توطئه‌های داخلی و خارجی دشمنان در جهت شکست یا استحاله و انحراف انقلاب با حضور قدرتمندانه ملت خنثی شده و سفارش امام برای استمرار حضور پر صلابت مردمی در حفظ و تقویت امنیت نظام این است که: تا شما زنده اید آمریکا بر نمی‌گردد، شوروی هم بر نمی‌گردد. در نسل‌های آتیه، اگر ملتها در نسل‌های آتیه به همین روش حرکت کنند و روحانیون در همه جا حاضر باشند و مردم در صحنه باشند و قوای نظامی و انتظامی، قوای نظامی و انتظامی اسلام باشد این در طول تاریخ هم ان شاءالله نخواهد شد. از سوی دیگر در ترسیم راهبردهای سازندگی و توسعه نظام اسلامی نقش مؤثر و کارساز مردم را در حرکت تکاملی نظام به مسئولان یادآور می‌شود تا آنان از بهره‌وری از این پشتوانه عظیم غفلت نکنند. «اگر مردم را شریک خودتان نکنید، موفق نخواهید شد.» راز مهم غلبه بر مشکلات داخلی در این سه دهه حضور مردمی است. از این رو تحقق توسعه‌ی واقعی در نگاه مقام معظم رهبری بدون مشارکت عمومی امکان‌پذیر نیست. اگر بخواهیم کشور را آباد کنیم و کشاورزی را که زمینه مستعدی در کشور ما دارد رایج و دایر کنیم و صنعت مستقل و متکی به استعداد و علم و تجربه متخصصان داخلی را به وجود بیاوریم و راه بیندازیم و علم و تحقیق را در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی کشور توسعه بدهیم و ان شاءالله رفاه عمومی را در سطح کشور تا اعماق روستاها پیش ببریم و... وسیله و ابزار انجام همه این خواسته‌ها، شما مردم هستید و حضور و ایمان شما، این راه را هموار خواهد کرد. (باقری، ۱۳۸۰: ۵)

ساماندهی اقتصادی

بهبود وضع اقتصادی جامعه یکی از مباحث کلیدی و نقش آفرین است که از دیرباز تا امروز امام و رهبری ابعاد و زوایای آن را برای کارگزاران نظام اسلامی برجسته ساخته‌اند. در فرهنگ اسلامی به حل مشکلات اقتصادی انسان‌ها اهمیت خاصی داده‌اند به گونه‌ای که امنیت عمومی جامعه و

تحقق برخی از امور فرهنگی، عقیدتی و اخلاقی را در پرتو سامان یافتگی اقتصادی و رفع دغدغه‌های معیشتی میسر می‌دانند.

از نظر امام فرایند ساماندهی اقتصادی با رفع فقر و محرومیت و دستیابی به یک زندگی متوسط و رفاه متناسب با شأن انسان مسلمان در نظام اسلامی و به دور از اسراف و تجمل آغاز شود از این رو به مسئولان می‌فرماید: دولت شما دولت محرومین است، یعنی باید برای محرومین کار کنید. هر قدر کشور ما به طرف فقر زدایی و دفاع از محرومین حرکت کند، امید جهانخواران از ما منقطع و گرایش ملت‌های جهان اسلام زیادتر می‌شود. مقام معظم رهبری، در اولویت بندی مسائل اقتصادی توجه به امر معیشت را مورد تأکید قرار می‌دهد. «مسأله معیشت قطعاً در اولویت اول است، معیشت که نبود، دین هم نیست، اخلاق هم نیست، حفظ عصمت و عفت هم نیست». نکته مهم دیگر رهایی از اقتصاد تک محصولی و سرمایه گذاری بنیادین در بخش کشاورزی و صنعت است. تا آنجا که بتوانیم باید کشور را از مسأله نفت جدا کنیم. ما باید سعی کنیم از حیث اقتصاد قوی و بدون وابستگی باشیم. البته به طرف صنعت هم باید رفت، ولی اگر از کشاورزی منحرف بشویم، اسباب آن می‌شود که آنچه خودمان نیز داریم از بین برود. خودکفایی در کشاورزی یکی از محورهای مهم امنیت ملی است: بخش کشاورزی یک محور اصلی در اداره کشور است... شریان اصلی زندگی جامعه در این بخش است و زندگی واقعی و ملموس جامعه حیات اجتماعی در این بخش بیشتر معنا پیدا می‌کند، چون اینجا، مسأله غذا، و مسأله ی امنیت غذایی و مسأله استقلال ناشی از امنیت غذایی و خودکفایی مطرح است. (باقری، ۱۳۸۰: ۱۲)

اقتدار نظامی و دفاعی

به گفته امیر بیان حضرت علی^(ع) «فَالْجُنُودُ بِأَذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ، وَ زَيْنُ الْوُلَاةِ، وَعَزُّ الدِّينِ، وَ سَبْلُ الْأَمْنِ وَ لَيْسَ تَقْوَمُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ»؛ سپاهیان به فرمان خدا پناهگاه استوار و رعیت زینت و وقار زمامداران و شکوه دین و راه‌های تحقق امنیت کشورند، امور مردم جز با سپاهیان استوار نگردد» نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به عنوان بازوی قدرتمند ولایت، پاسدار حفظ دستاوردهای نظام و کارگزار اصلی استقرار امنیت داخلی و مرزهای کشورند. تقویت بنیه معرفت دینی و سیاسی به همراه فراگیری فنون پیشرفته و لازم نظامی در کنار دستیابی به فن آوری تولید تجهیزات مدرن نظامی، از مجموعه نیروهای مسلح بنیان مرصوصی پدید می‌آید که مقتدرانه حافظ استقلال، تمامیت ارضی، امنیت داخلی کشور می‌شود. پس از دفاع مقدس مهمترین عامل بازدارندگی تهاجم نظامی دشمنان به کشور جمهوری اسلامی ایران، صلابت، و استواری و توانمندی نیروهای مسلح است. به

همین دلیل امام به مسئولان نظام سفارش داشتند که در هیچ شرایطی از تقویت نیروهای مسلح و بالابردن آموزش‌های عقیدتی و نظامی و توسعه تخصص‌های لازم و خصوصاً حرکت به طرف خودکفایی نظامی غفلت نکنند... غفلت از تقویت بنیه دفاعی کشور، طمع تهاجم و تجاوز بیگانگان و نهایتاً تحمیل جنگ و توطئه‌ها را به دنبال می‌آورد. مقام معظم رهبری آمادگی‌های لازم و هوشیاری نیروهای مسلح در رصد کردن تحرکات دشمنان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای را یادآور می‌شود و خواهان افزایش توان دفاعی آنان برای تأمین امنیت در بازدارندگی از تهاجم دشمنان است. نیروهای مسلح، باید کاری کنند که هیچ دشمنی نتواند در استقلال و استحکام یکپارچگی و تمامیت ارضی ما طمع کند. ما آمادگی‌های خود را برای مقابله با استکبار، همیشه حفظ می‌کنیم، همین حالا هم آماده هستیم، ما قصد تجاوز به هیچ کس را نداشتیم، باز هم نداریم؛ اما آماده‌ایم که برای مقابله با تجاوز هر کس که باشد، اقدام کنیم. مزیت و امتیاز منحصر به فرد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی پشتوانه میلیونی ملت ایثارگر ایران در قالب بسیج است که نقش مهمی در استحکام و اقتدار نیروهای نظامی و انتظامی دارد و دلاوری‌های آنان در کارنامه درخشان پیروزی‌های نبرد هشت سال دفاع مقدس ثبت است. امام پس از روزگاران سراسر حماسه جاوید دفاع مقدس هم خواهان گسترش و تقویت تفکر بسیجی در دوران سازندگی و توسعه سیاسی و اقتصادی است تا اقتدار و امنیت نظام در تمام مراحل پیشرفت و توسعه برای همیشه محفوظ بماند. اگر بر کشوری ندای دلنشین تفکر بسیجی طنین اندازد، چشم طمع دشمنان و جهانخواران از آن دور خواهد گردید والا هر لحظه باید منتظر حادثه باشیم. بسیج باید مثل گذشته و با قدرت و اطمینان خاطر به کار خود ادامه دهد. باید برای شکستن امواج طوفان‌ها و فتنه‌ها و جلوگیری از سیل آفت‌ها به سلاح پولادین صبر و ایمان مسلح شویم، ملتی که در خط اسلام ناب محمدی (ص) و مخالف با استکبار و پول پرستی و تاجرگرایی و مقدس‌نمایی است، باید همه افرادش بسیجی باشند و فنون نظامی و دفاعی لازم را بدانند، چرا که در هنگامه خطر ملتی سربلند و جاوید است که اکثریت آن آمادگی لازم رزمی را داشته باشند. (صدر، ۱۳۵۳: ۳۳)

قانونگذاری و قانون‌مداری

تدوین و تصویب قوانین جامع، راه گشا در سهولت اجرای برنامه‌های بلند مدت توسعه پایدار نظام اسلامی و هم در روان سازی پیدایش و گسترش امنیت اجتماعی، اقتصادی و قضایی کمک می‌کند و هم مسیر حرکت سیاستگذاران و مدیران عالی و میانی اجرایی را روشن می‌سازد. به همین دلیل امام از عصاره فضایل ملت می‌خواهد که در طرح قوانین و تصویب لوايح نگاه فراگیر و اصولی

به مسائل کلان نظام داشته باشند و از امور جزئی و مقطعی پرهیز کنند. نمایندگان محترم مجلس قبل از پرداختن به لوایح و تبصره‌ها و موارد غیر ضروری به فکر مسائل اصلی و کلیدی کشور باشند. از نگاه تحلیلی مقام معظم رهبری، قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی ترسیم کننده چگونگی حرکت مدیران در تحکیم پایه‌های امنیت ملی نظام باشد. با قوانین مجلس است که مسئولان می‌توانند حرکت کنند و پیش بروند، مجلس می‌تواند حافظ امنیت ملی باشد، می‌تواند سد مستحکمی در برابر دشمنان و طمع ورزی بیگانگان باشد. نظم عمومی روشمند، با رعایت قانون در تمام سطوح کشور بیانگر رشد سیر صعودی ضریب امنیت اجتماعی و ملی است و تذکر مهم امام به ملت این است که: «همه قشرها که در هر جا هستند و در هر محلی هستند حفظ قانون را بکنند و حفظ قواعدی که بر کشور جاری هست بکنند» و نیز به عمل به قانون اساسی سفارش می‌کند. معیار در اعمال نهادهای قانون اساسی است و تخلف از آن برای هیچ کس چه متصدیان امور کشوری و لشکری و چه اشخاص عادی جازز نیست.

گسترش و تعمیق معارف دینی

با یک نگاه موشکافانه و رویکرد تحقیقی، آشکار می‌شود که ریشه و راه کار حل بسیاری از ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در ارتقای سطح فرهنگ دینی عموم اقشار ملت ایران قرار دارد. «روح ایمان را در آنها (مردم) تقویت کنید که اگر جنبه ایمان مردم تقویت شد، همه امور به راحتی انجام می‌شود.» (دنبال این بروید که معارف اسلامی را در بین مردم تقویت کنید که رأس امور این معارف اسلامی است و اگر درست بشود همه ی کارها درست می‌شود».

تهدیدات و چالش‌های درونی امنیت اجتماعی

رهبری در کنار فهرست دستاوردها و ویژگی‌های برجسته نظام و انقلاب اسلامی آسیب‌ها را نیز شناسایی و رصد کرده.. که مهمترین آنها به شرح زیر می‌باشند:

۱- فرهنگی: اباحه گری و فساد اخلاقی، غرب زدگی، دوری از معنویت، اخلاق و تهذیب، پیدایش فرقه‌های نوظهور، رشد خرافات، بدعت و سطحی نگری، شکاف فرهنگی نسلها، انحراف در سیستم آموزشی، رکود علمی و عدم خلاقیت، تحجر و جمود فکری.

۲- مدیریتی: باند بازی و رانت خواری، ضعف مدیریت، قدرت طلبی، بی توجهی به مطالبات مشروع و منطقی و قانونی مردم، قدرت طلبی.

۳- سیاسی: تکرر بی رویه احزاب و جریانات سیاسی، گرایش به سازش با آمریکا، تحرکات مشکوک احزاب و جریانات سیاسی وابسته، تفرقه و اختلاف در کارگزاران، بی اعتمادی مردم به مسئولان، تقویت و گسترش خط نفوذ و استحاله در مراکز حساس و کلیدی نظام.

۴- اقتصادی: رشد نرخ بیکاری، تورم و گرانی، وابستگی صنایع کلیدی و کشاورزی به بیگانگان، فشار اقتصادی و مالیاتی به اقشار کم درآمد، ارتشا، ربا، اختلاس، تجمل گرایی و اسراف.

۵- اجتماعی: فساد اداری، ناهنجاری‌های اخلاقی، قاچاق، موادمخدر، عدم نظارت عمومی بر عملکردها. (رسول زاده، ۱۳۷۳: ۶۰)

نتیجه گیری

در ادیان الهی نیز می‌توان سابقه امنیت را جستجو نمود. از شش هزار و ۲۳۶ آیه قرآن کریم ۸۵۳ مورد (۶/۱۲ درصد) پیرامون ایمنی و امنیت است. پیروزی انقلاب اسلامی و تثبیت و پویایی نظام جمهوری اسلامی بسیاری از معادلات سیاسی و فرهنگی دیکته شده استکبار جهانی را بر هم زد و شگفتی صاحب نظران را برانگیخت و عامل بازنگری و دگرگونی در نظام‌های سیاسی بین‌الملل شد و سیاست‌های دراز مدت استعمار فرانو را به چالش کشاند. در این نظام تمام مفاهیم و اصطلاحات سیاسی از متن آموزه‌های و حیانی تفسیر و تحلیل می‌شود. به همین جهت تعبیرات و اصطلاحاتی که قومیت و ملیت ایرانی را منهای آرمان‌های متعالی دینی و ارزشی تبیین کند به هیچ شکل در اندیشه امام و رهبری مشاهده نمی‌شود. این بزرگواران بر مبنای ماهیت دینی نظام به ترویج و تفسیر حاکمیت، تثبیت و گسترش اسلام می‌اندیشند و همه مفاهیم و عناوین را در پرتو حاکمیت و نهادینه ساختن آموزه‌های دین تحلیل و تعبیر می‌کنند، زیرا تحلیل و کاربرد مفاهیم سیاسی در ترسیم سیاست‌های کلی نظام در اندیشه امام و رهبری بخشی از دیدگاه کلان و جهان شمول معرفت دینی این بزرگواران است. یکی از این مقولات مهم در ادبیات سیاسی امام و رهبری مفهوم امنیت یا امنیت ملی است. از نگاه امام و رهبری، امنیت ملی همان فرایند گسترده حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی است و دستیابی به آرمان‌های متعالی و هموار ساختن مسیر رشد و تعالی مروهون توسعه اقتدار روز افزون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی؛ تا بتواند با بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌ها، امکانات و استعدادهای درونی بحران‌های ناخواسته داخلی و تهدیدهای دشمنان خارجی را یکی پس از دیگری خنثی نماید و به سلامت به سر منزل مقصود برسد. بنابراین به صراحت می‌توان گفت که پرداختن همه جانبه به مقوله ابعاد مؤلفه‌های امنیت ملی و دوری از چالش‌ها و دفع تهدیدها در شرایط فعلی و حساس نظام مهمترین موضوعی است که شایسته است

در دستور کار کارگزاران نظام اسلامی قرار گیرد. مقام معظم رهبری هم مسیر صعود به قله افتخارات کشور را عبور از پل‌های امنیت ملی می‌داند: امنیت، مقوله بسیار مهمی است و بدون امنیت، یک کشور در همه عرصه‌ها و صحنه‌های فعالیت و تلاش دچار مشکل است، در مقوله علم، در مقوله پیشرفت‌های اقتصادی، در مقوله مسائل معیشتی و شهروندی، در مقوله سازندگی کشور، در همه مقولاتی که می‌تواند افتخارات بزرگ ملی را برای یک کشور به ارمغان بیاورد، پیش نیاز اصلی و اساسی عبارت است از امنیت.

در واقع می‌توان گفت که در اراء امام خمینی و مقام معظم رهبری چه در سطح کلان و چه در سطح خرد به امنیت اجتماعی پرداخته شده است. چنانکه در ابعاد کلان می‌توان به احساس امنیت در جامعه، عدالت آموزشی، وفاق و مشارکت همگانی، همزمانی بعد درونی (معنوی) امنیت با بعد عینی و مادی، عدالت اجتماعی و احساس برابری در بین شهروندان اشاره کرد. در سطح خرد می‌توان عناصری همانند کاهش قوانین تبعیض آمیز، مبارزه به شکاف طبقاتی و اجتماعی، رسیدگی همه جانبه اقتصادی، آموزشی و... به محرومین جامعه، انتخابات، نظارت بر عملکرد نهادها و مدیران، مبارزه با فساد اداری و... مورد تاکید قرار داد.

منابع فارسی کتب

- ۱- ادوارد آزر، چونگ این مون (۱۳۷۹)، امنیت ملی در جهان سوم، ناشر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۲- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴)، معمای امنیت عمومی در امنیت عمومی و پلیس، دانشگاه علوم انتظامی
- ۳- بوزان، باری (۱۳۸۶)، چارچوبی تازه بر تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی

- ۴- (۱۳۷۸)، مردم، دولتها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۵- باقری، محمد (۱۳۸۰)، دیدگاه‌ها و رهنمودها، تهران، معاون آموزش نیروی انتظامی
- ۶- بهزاد، داود (۱۳۸۴)، اعتماد به مثابه یک ساختار اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۶
- ۷- تاجیک، محمد رضا (۱۳۸۳)، مدخلی بر امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، جلد اول، معاونت اجتماعی ناجا
- ۸- تنهایی، ابوالحسن (۱۳۷۴)، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، گناباد، انتشارات مرندیز
- ۹- داود دعاگویان، آیت گودرزی (۱۳۸۳)، نظارت همگانی، اعتماد اجتماعی و پلیس، ناجا و نظارت همگانی، راهبردها و راهکار، بازرسی کل ناجا، دفتر نظارت همگانی
- ۱۰- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷)، آنومی یا آشفتگی اجتماعی، پژوهشی در زمینه آنومی در تهران، تهران، بی‌جا
- ۱۱- رسول‌زاده سروش، سید اسماعیل (۱۳۷۳)، قضاوت‌های حضرت علی بن ابی طالب، تهران، انتشارات یاسین
- ۱۲- سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۳)، معمای امنیت و چالش‌های جدید غرب، تهران، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- ۱۳- علی آقابخشی و همکاران (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، انتشارات مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران
- ۱۴- فراستخواه، مقصود (۱۳۷۶)، امنیت در قرآن، مجموعه مقالات همایش امنیت و راه کارهای توسعه، تهران، انتشارات ساعس ناجا
- ۱۵- موسوی الخمينی، روح الله، صحیفه نور، ۲۲ جلد تهران، انتشارات موسسه نشر آثار امام خمینی (ره)، بی تا
- ۱۶- ماندل، رابرت (۱۳۷۹)، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۱۷- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۱)، امنیت اجتماعی، روایتی جامع، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۱۸- وبستر، فرانک (۱۳۸۰)، نظریه‌های جامعه اطلاعاتی، ترجمه اسماعیل قدیمی، تهران، قصیده سرا

۱۹- هاشمی، سید محمد (۱۳۷۴)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی

مقالات

- ۱- ترابی، یوسف (۱۳۸۳)، *ارزش‌ها و امنیت اجتماعی*، مجله دانش انتظامی، شماره ۲۱
- ۲- روی، پل (۱۳۸۲)، *معمای امنیت اجتماعی*، ترجمه منیژه نویدنیا، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره سوم
- ۳- مؤذن جامی، محمد هادی (۱۳۸۴)، *تاملی بر مفهوم نظم و امنیت و عوامل مرتبط با آن*، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره اول
- ۴- یزدانفام، محمود (۱۳۸۷)، *دگرگونی در نظریه‌ها و مفهوم امنیت بین‌الملل*، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۸